



آمار لاله‌ها

اصل و شرح

شناسایی و تفحص شهدا با گذشت بیش از ۱۰ روز از شروع آتش بس همچنان ادامه دارد و رقم آن در حال تغییر است و

۲۴ هزار و ۴۶۸ شهید جنگ تحمیلی سوم در سامانه جامع بنیاد شهید ثبت شده است. درباره جانبازان جنگ تحمیلی سوم آماری ارائه نشده و جمع زیادی از مجروحان جنگ همچنان در مراکز درمانی بستری هستند.

شناسنامه‌های با مهر شهادت

پیوند شهدای دفاع مقدس ۸ ساله، جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم

کاروان جوان شهیدان

جامعه بدیا
حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی باعث شهادت جمع بزرگی از ایرانیان چه نوزاد و چه سال‌نشدگ شد که بخش بزرگی از آنها غیرنظامی بودند. آمار شهدای جنگ تحمیلی از آغاز جنگ تا ۲۹ فروردین شامل همه گروه‌های سنی است؛ اگرچه جوانان بیشترین کسانی هستند که خون خود را تقدیم میهن کرده‌اند. برخی پیکرهای کشف شده هنوز شناسایی نشده است.

۳۳۷۵ کل
شهدای جنگ تحمیلی سوم

۲۸۷۵ شهید
مرد

۴۹۶ شهید
زن

رده‌بندی سنی شهدا

۷ شهید زیر یک سال	۷۹۲ شهید ۳۱ تا ۴۰ سال
۲۵۵ شهید ۱۲ تا ۲۱ سال	۶۳۹ شهید ۴۱ تا ۵۰ سال
۱۲۱ شهید ۱۳ تا ۱۸ سال	۲۶۷ شهید ۵۱ تا ۶۰ سال
۹۶۹ شهید ۱۹ تا ۳۰ سال	۱۶۳ شهید ۶۱ تا ۷۰ سال
۶ شهید ۷۱ سال به بالا	

محمد سربانی | روزنامه‌نگار | شهدای دفاع مقدس
نشانه‌هایی داشتند که سال‌هاست در ایران به عنوان نماد «شنه‌ها» شناخته می‌شود. پارچه‌نوشته‌های تبریک، سنگ مزار سفید با کلمات قرمز رنگ و شناسنامه‌هایی که در صفحه آخر آن به جای فوت نوشته شده بود «به فیض شهادت نایل آمد». جایگاه اجتماعی این اینارگران را در میان مردم نشان می‌داد. در یک سال گذشته که دشمنان دوبار به ایران حمله کردند، فضای شهر باز هم عطر شهادت گرفته و جلوه‌هایی از ۸ سال دفاع مقدس دوباره زنده شده‌اند.



جواز دفن

بررسی علت فوت از سوی پزشک قانونی انجام می‌شود و هر کسی که در اثر وقوع جنگ به شهادت رسیده باشد در حوزه فعالیت بنیاد شهید و امور ایثارگران است. رئیس «قرارگاه جنگ تحمیلی سوم بنیاد شهید» به همشهری می‌گوید: «روز اول جنگ این نامه‌های تشییع و تدفین شهدا به همه استان‌ها فرستاده شد. برای تسریع در روند صدور جواز دفن نیز اختیاراتی به مدیران کل استانی تفویض و شیوه‌نامه‌های احراز شهادت نیز ابلاغ شد.» فریده اولاد قباد، با اشاره به اینکه پیکر برخی شهدا در مرکز دی‌ان‌ای هستند و باید تشخیص هویت شوند، بیان می‌کند: «بیش از ۲۰۰۰ نفر از شهدا نظامی و بقیه غیرنظامی هستند اما باید تأکید کنم که آمار شهدای مردمی ما چندان کمتر از شهدای نظامی نیست و این مصداق جنایت جنگی و نقض آشکار قوانین بین‌المللی دشمنان است.» شهروندی که در اثر آسیب‌های ناشی از حمله دشمن جان خود را از دست داده باشند شهید محسوب می‌شوند. معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید با ذکر مثالی می‌گوید: «چند روز پیش همراه دیگر مسئولان کشور به دیدار بازماندگان خانواده مولایی رفتیم. آنها ۴ شهید شامل پدر و مادر و ۲ فرزندشان بودند که در جاده قزوین - زنجان به شهادت رسیدند. در این موارد شورای تامین هر استان پرونده‌ها را پیگیری و ارسال می‌کند. در بنیاد شهید کمیته احراز و پذیرش، روزانه آمار و مشخصات شهدای نظامی و مردمی را از استان‌ها دریافت می‌کند و تلاش می‌کند هر تعداد پرونده هم که از جاع می‌شود به سرعت مورد رسیدگی قرار گیرد.» اولاد قباد درباره جانبازان جنگ نیز بیان می‌کند: «بگانه‌های نظامی باید کمیسیون پزشکی خود درباره مجروحان را تشکیل دهند و برای مجروحان مردمی هم شورای تامین استان با مشارکت پزشکان معتمد و سایر متخصصان احراز مجروحیت را انجام می‌دهد.» همچنین با تأیید کتبی بنیاد شهید، تشییع و تدفین هر شخص با عنوان شهید انجام می‌گیرد.

روایت تدفین شهدا در جنگ تحمیلی سوم
قطعه ۴۲ بهشت زهراي تهران در جنگ ۱۲ روزه تابستان ۱۴۰۴ برای شهدای پایتخت در نظر گرفته شده بود که اکنون و در جنگ تحمیلی سوم، شهدای دیگری به آن افزوده شدند. دفن شهدا همچنان ادامه دارد و بنا به آنچه در شورای شهر تهران گفته شد، پیکرهای بعضی از شهدا هنوز به تشخیص هویت نیاز دارد. همچنین در بعضی از آواربرداري‌ها، پیکرهای جدیدی کشف شده است. در بهشت زهرا ستادی از دستگاه‌های مرتبط تشکیل شده تا امور مربوط به شهدا را انجام دهد. سازمان ثبت احوال نیز که اسناد هویتی را ثبت و باطل می‌کند در این ستاد حضور دارد. این سازمان در پاسخ به همشهری اعلام کرد که درج مهر «شهید» در شناسنامه شهدا مطابق روال کاری همیشه و با تأیید بنیاد شهید انجام می‌گیرد. سازمان بهشت زهرا نیز پیکرها را در قطعه ۴۲ که به همین امر اختصاص یافته است به خاک می‌سپارد. اگرچه برخی نا شناسایی‌ها باعث شده اما آگان‌های انجام این امور برای عموم مردم چندان شناخته شده نباشد اما آگان‌های مسئول بیان می‌کنند که روال کاری تشییع و تدفین شهدا بر اساس قوانین و دستورالعمل‌ها انجام می‌گیرد.



یادبود شهادت
گسترده بودن منطقه جنگی در تمام کشور و حمله هوایی به مناطق کاملاً مسکونی باعث شده که شهادت در جنگ تحمیلی سوم عرصه وسیعی پیدا کند. در این حمله از کودکان مدرسه میناب تا جوانان «پای لانچر» شهید شدند. اگرچه فضای آموزشی جامعه با ۴ دهه پیش متفاوت است اما نمادها و نشانه‌های شهادت همچنان فرهنگساز و عامل همبستگی مردمی است. هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول چون بنیاد شهید، ثبت احوال، آرامستان‌ها و دیگر نهادها می‌تواند زمینه‌ساز را برای ایجاد یک زیرساخت فرهنگی ماندگار پدید می‌آورد. پیوستگی میان شهدای ۲۰ جنگ تحمیلی گذشته و جنگ تحمیلی سوم از طریق نشانه‌هایی مانند همان «مهر شهادت» ممکن است و میراثی برای نسل‌های آینده به جا می‌گذارد.



اشک تمساح علی نژاد

وقتی جنگ چهره واقعی خودش را به طرفداران حمله نظامی دشمن به ایران نشان داد، بخشی از طرفداران جنگ تو بیت‌های طرفداری خود را پاک و برخی هم به عذر خواهی بسنده کردند. حالا نوبت به مسیح علی نژاد می‌رسد.

رسیده است. او در گفت‌وگویی در پاسخ به سوآلی که «جزو اپوزیسیون هستی که جنگ را از بیاسازی کرد؟» به شرح موضوعی برخلاف نظرات قبلیش پرداخت: «هرگز، من الان می‌گویم که من هم قربانی هزار بارگی می‌شوم و اشتباه کردم و این واکنش را «اشک تمساح» دانستند.

پشت صحنه خنثی شدن یک موشک

گزارش میدانی همشهری از نقطه اصابت موشک عمل نکرده محله مولوی و امکان استفاده اطلاعاتی نیروهای نظامی ایران از این غنیمت‌های جنگی



مکتب اخبار و آمار موشک‌های منفجر نشده



در روزهای جنگ تحمیلی سوم بعد از تصویر موشک عمل نکرده میان حیاط خانه‌ای در یکی از محله‌های شرقی تهران، تصویر موشک منفجر نشده بازار سیداسماعیل، پربازدید شد؛ تصاویری که رد و نشان بسیاری در اخبار جنگ داشته و دارند؛ انهدام کنترل شده مهمات دشمن، شنیدن انفجارهای کنترل شده ناشی از خنثی‌سازی موشک عمل نکرده در تهران و سایر استان‌ها. مطابق آخرین آمار رسمی و منتشر شده در خبرگزاری فارس: «از جنگ تحمیلی سوم بیش از ۳۰۰ فرزند موشک عمل نکرده دشمن در اختیار ایران است. اغلب این موشک‌های معيوب از خانواده ام کی ۸۰ با سر جنگی انفجاری، کروز تاماهاوک شناسایی شده‌اند. اهمیت مضاعف بمب‌های عمل نکرده در این است که منجر به دستیابی شیوه طراحی و ساخت آنها می‌شود؛ یعنی مهندسی معکوس فناوری تجهیزات و مهمات جنگی.»

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | روزها از شروع آتش بس می‌گذرد اما هنوز جنگ تحمیلی سوم حرف‌های زیادی برای گفتن دارد؛ درست مانند موشک‌های عمل نکرده در شهر. جنگ در سی‌وهشتمین روز، خود را به گذر سیداسماعیل بازار مولوی

تاماهاوک و گذر سیداسماعیل

هوای بهار از شکاف‌های پرشمار و کهنه سقف به گذر راه یافته است. هرچند، حال کسبه گذر، از سر جنگ تحمیلی سوم به زمستان، شباهت بیشتری دارد؛ در وطن، سوگهای دور و نزدیک، کود بازار، اجاره و قسط‌های عقب‌افتاده و چک‌های برگشتی، باین همه، گاهی که صدای خش‌دار کارگری دادزن یا چانه‌زنی مشتری می‌پیچد، زور هوای بهار به حال زمستانی گذر و کسبه‌اش، می‌چربد: «بباین روز بازار، حراجش کردم». «اولا قابل نداره، دوما برای خاطر شما که عزیزه ۱۰ تومن از سر قیمتش می‌شکنم». بیشتر از عبارت «بازار باشه»، روایت‌های سر صحنه و دست‌اولی از تاماهاوک کروز، شهادت یکی از کسبه، غنیمت‌های جنگی با آورده و بیچه‌های تیم چک و خنثای موشک، شنیده می‌شود. موشک‌هایی که شماری شان بعد از سقوط بنا به دلایلی منفجر نمی‌شوند حتی اگر اسم و رسم دهان‌پزکی مانند کروز داشته باشند. یکی مثل موشک تاماهاوک کروز که صبح سه‌شنبه هجدهم فروردین در جایی از گذر سیداسماعیل بازار مولوی پایتخت فرو افتاد.



یک خطی و گاه حتی تحلیلی جنگ هم به گوش رسید؛ گفت‌وگو‌هایی که اغلب به عبارت «سر سلامتی کسب و کار و وطن» منتهی شد. در این میان، حاج‌اکبر، حاج‌مهدی، آقاخلیل و آقا سعید بی‌خبر بودند از دشت جنگی اول صبح خود؛ یک فروند تاماهاوک کروز.

قیمت موشک در مولوی؛ یک جان

بابت موشک منفجر نشده بازار سیداسماعیل، ۴ مغازه (لوازم خانگی، پوشاک، عطاری، فرش و کفش فروشی) تخریب شده است و علاوه بر جراحات ۳ نفر، یک تن نیز به شهادت رسیده؛ حاج‌مهدی فیلا که نامش بر بنر تبلیغاتی روی یکی از همان ۴ مغازه دیده می‌شود: «...و برای شما صبر جزیل از درگاه پروردگار عنایت داریم... از طرف کسبه». میثم، فروشنده مغازه‌ای چند متر دورتر از محل سقوط موشک است. هنوز هم باور نمی‌کند؛ نه نبودن حاج‌مهدی را که شوخ طبع بود و بی‌آزار و نه دین موشکی واقعی و البته عمل نکرده از نزدیک... خیلی نزدیک... از فاصله‌ای تقریباً یک‌متری: «اون روز، گذر شلوغ نبود. آقاخلیل (صاحب مغازه عطاری) و حاج‌مهدی (کارگر قدیمی عطاری) توی مغازه بودن که لحظه اصابت موشک زیر آوار موندن... تا آتش نشانی و هلال احمر و نیروهای نظامی چک و خنثی بیان رفتیم کمکشون...». به گفته میثم، صدای برخورد موشک به قدری وحشتناک بود و بی‌آش، چنان گردوغبار غلیظی بلند شد که کمتر کسی احتمال می‌داد موشک، منفجر نشده است: «سر جنگی کروز سالم بود... به متر دورتر از جایی که آقاخلیل روز از لای آوار بیرون کشیدیم، افتاده بود...». همان وقت کسبه‌ای که به کمک آمده بودند با توجه به کلاهک کروز، سعی داشتند وزن مواد انفجاری آن را حدس بزنند: «۵۰۰ کیلوگرم، ۸۰۰ کیلوگرم...». و شاید یک تن، درست به وزن کروزی که در عمق ۱۶ متری جایی در ورامین فرو رفته بود و ۲۹ فروردین پس از عرو ز عملیات سخت بالاحره خنثی شد.

سقوط، وسط قابلمه‌های نسوز

خلبان جنگنده دشمن، تاماهاوک کروز هواپرتاب را درست وسط مغازه حاج‌اکبر که انواع ظروف آشپزی از قابلمه و بشقاب می‌فروخت، انداخت. از سر همان موشک‌اندازی، حالا حاج‌اکبر، دل و دماغ چندانی به کار کردن ندارد و قفل مغازه تخریب‌شده‌اش را گاهی فقط برای دقایقی باز می‌کند. اینها را کارگر تر و فرز می‌گوید که آقا سعید (صاحب مغازه‌های دیوار به دیوار حاج‌اکبر) به آواربرداری تا بیل دستی، گمارده: «شانس آوردن که اون لحظه تو مغازه نبودن... می‌گن، حاج‌اکبر بعد از باز کردن مغازه رفته نون بخره و کارش هم چند متر اون طرف‌تر سر گرم خالی کردن سطل اشغال مغازه بوده...». به سفارش آقا سعید، حواش هست رخت و لباس‌هایی را که لابه‌لای خرور آوار سالم مانده‌اند با احتیاط بیرون بکشند و بچپاند در گونی کنار دستش. سعید، پوشاک زنانه می‌فروخت و حالا ز میلیون‌ها تومان اجناس مغازه‌اش، چند بلوز، شومیز و شلوار خاکی مانده که آنها را جز تا کور فروش‌های کوچه‌پس کوچه‌های همان بازار کسی نمی‌خرد: «به خواب هم نمی‌دیدم به روز موشک، راست بیاد وسط دیوار مغازه‌ام گیر کنه!». یادش هست روز حادثه، کسانی کنار گوشش از استفاده اطلاعاتی از مهمات عمل نکرده، می‌گفتند: «مهندسی هوافضای ایران سال ۹۰ به پهباد آر-کیو ۱۷۰ آمریکایی که حوالی مرز شرقی کشور ساقط شده بود کلی اطلاعات کسب کردن برای تولید پهبادهای شناسایی».

اضطراب لحظه خنثی‌سازی
شکور، فرورنده دیگر گذر سیداسماعیل نیز حباب‌هایی شنیدنی از سقوط موشک دارد: «بیشند امداد گرا که خیلی زود متوجه شدن موشک منفجر نشده چند نفر با لباس نظامی اومدن... از مون خواستن دور شیم». خیلی طول تکمیل تا شکور و تعدادی دیگر از کسبه شست‌شان از ماجرای موشک عمل نکرده خبردار شد. شکور ادامه می‌دهد: «وای اگر موشک منفجر می‌شد... باین همه فرسودگی بافت گذر، چیزی جز پشته پشته خاک و آجر و جسد باقی نمی‌موند...». آن روز، آنها با ترس و کنج‌کاوی از دور، رفتو آمد امدادگران و نظامیان را می‌دیدند؛ مجروحان که در اتاق خود روی آمبولانس جای گرفته بودند، رفتند و کسانی را خودروبی که غشش، زنجیر و قلاب بالابر آویزان بود و حکایت از جابه‌جایی موشک داشت، آمدند.